

تحلیل فضایی ریسک رواناب‌های مسأله‌ساز با تکیه بر معیارهای برنامه‌ریزی شهری (مورد شناسی: شهر کرمان)

صادق کریمی* (استادیار آب و هواشناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران)

حسین غضنفرپور (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران)

نجمه علی‌مرادی‌پور (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران)

چکیده

رشد فیزیکی روزافزون شهرهای امروزی، باعث افزایش ضریب نفوذناپذیری، سرعت و حجم رواناب حاصل از بارندگی شده‌است؛ بنابراین احتمال بروز رواناب در هنگام بارش‌های شدید بالا رفته‌است. هنگام وقوع بارندگی، هرچه میزان آسیب‌پذیری یک محدوده بیشتر باشد، آن محدوده بیشتر در معرض خطر قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه هدف اصلی طرح‌ها و اقدامات کنترل سیلاب، کاهش میزان آسیب‌پذیری است، پیش از هر اقدامی لازم است بخش‌های آسیب‌پذیر شهر مشخص شود. از نگاه سیستمی، لازم است کلیه عواملی که در ایجاد رواناب‌های مسأله‌ساز شهری تأثیر دارد، شناسایی شود. هدف این پژوهش، دستیابی به شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری مؤثر در ایجاد رواناب‌های سطحی شهر کرمان و همچنین تهیه نقشه آسیب‌پذیری خطر مذکور است. روش به‌کاررفته در تحلیل معیارها، روش تحلیل سلسله مراتبی فازی است؛ از این رو در این پژوهش مناطق شهر کرمان با توجه به آمار بارندگی، اطلاعات فیزیولوژیکی موجود و سایر عوامل تأثیرگذار، مورد مطالعه قرار گرفت. برآورد ارتفاع و حجم رواناب با روش SCS که در مقیاس زیرحوضه مورد استفاده قرار می‌گیرد، محاسبه شد. چگونگی نتایج به‌دست آمده از برآورد تبدیل بارندگی به بارندگی مازاد در زیرحوضه‌ها با عنوان شماره منحنی، مورد تحلیل قرار گرفت. در نهایت نقشه‌های شماره منحنی رواناب با استفاده از ابزار ArcCN-Runof در محیط ArcGIS تهیه شد. نتایج کلی حاکی از تأثیر عوامل جوی، انسانی و زمینی بر این رخداد بود که عوامل زمینی بیشترین تأثیر را داشته‌است. همچنین، نقشه پراکنش فضایی ارتفاع رواناب‌های مسأله‌ساز در سطح مناطق نشان داد که بخش‌های مرکزی شهر کرمان، بیشترین زمینه خطرپذیری رواناب را دارد.

تاریخ دریافت: ۲۰ اسفند ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۲۴ آذر ۱۳۹۷



کلید واژه‌ها:

آسیب‌پذیری، رواناب، تحلیل سلسله مراتب فازی، شماره منحنی، عوامل زمینی.

* نویسنده مسئول: صادق کریمی

پست الکترونیک: karimi.s.climatologist@uk.ac.ir

مقدمه

تأثیر زیادی بر تشکیل رواناب سطحی دارد (چن و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۸).

باید توجه داشت که کاهش سطوح غیرقابل نفوذ شهری در شرایط فزاینده رشد و گسترش شهرها، تقریباً امری محال است و در این بین، مدیریت کاربری اراضی و تهیه زیرساخت‌های لازم، مهم‌ترین ابزار در جهت کاهش مخاطرات سیل در بلندمدت است (کانگرس‌من و آسلی، ۱۹۹۹: ۸)؛ بنابراین هدف برنامه‌ریزی شهری به منظور پیشگیری از مشکلات ناشی از سیلاب‌های شهری، تشخیص فرایندها و عناصر ایجاد جریان‌های سطحی و تقویت ایمنی محیط، به‌واسطه بهبود و اصلاح شهر و شهرسازی است (عبداللهی، ۱۳۸۴: ۹۷).

سطوح شهر کرمان به‌عنوان شهر مورد مطالعه نیز، با هر بارشی شاهد حرکت رواناب‌های مسأله‌ساز و در نتیجه آب‌گرفتگی معابر است. با توجه به گسترش هر ساله وسعت این شهر، فراوانی مکانی و زمانی رواناب‌ها نیز بیشتر می‌شود. امروزه تأثیرات منفی و مسائلی که این پدیده برای شهروندان کرمانی به وجود آورده، بر همگان آشکار است؛ به طوری که شهروندان با کمترین میزان بارندگی، به‌وضوح شاهد جاری شدن آب در سطح خیابان‌ها و معابر هستند؛ به‌ویژه بروز سیلاب‌های شهری پس از رخداد رگبارهای با شدت نسبتاً بالا، با اختلال در رفت‌وآمد و تأثیرات منفی بر چشم‌اندازهای شهری و اختلال در روابط تجاری و گردشگری، تأثیرات منفی اقتصادی و اجتماعی بسیاری را بر جای می‌گذارد؛ همچنین، این رواناب‌ها که در سطح شهر جریان می‌یابند، با خود آلودگی‌های زیادی را مخلوط و حمل کرده که باعث کاهش کیفیت منابع آب می‌شود؛ بنابراین شناخت عوامل تأثیرگذار در رواناب‌های جریان‌یافته حائز اهمیت بوده و ضروری است که به انجام این تحقیق پرداخته شود تا برنامه‌ریزان شهری برای این مسأله چاره‌ای بیاندیشند. این پژوهش در پی آن است که با استفاده از

رشد فیزیکی روزافزون شهرها و افزایش خیابان‌های آسفالت‌عریض و دیگر عوامل، باعث غیرقابل نفوذ شدن اراضی طبیعی شده‌است و همین مسأله باعث پیدایش رواناب‌های ناشی از بارش به‌خصوص هنگام بارندگی‌های شدید در سطح شهرها و تأسیسات شهری می‌شود. سطح روکش‌شده شهرها نظیر پشت‌بام ساختمان‌ها، آسفالت خیابان‌ها و پیاده‌روها، همانند مانعی در برابر نفوذ آب باران به داخل خاک و تغذیه آب‌های زیرزمینی عمل کرده و بخش اعظم بارندگی به رواناب سطحی تبدیل می‌شود.

رواناب‌های شهری، آب‌هایی است که در سطوح شهری در اثر بارندگی، یا آب حاصل از ذوب برف تولیدشده و به‌سمت منابع آب پذیرنده سرازیر می‌شوند (عرب‌خدری، ۱۳۷۴: ۲۰۵).

بارندگی‌های با شدت زیاد، کاهش نفوذپذیری به دلیل توسعه مناطق شهری و همچنین، وجود سیستم‌های جمع‌آوری رواناب قدیمی و فرسوده، از دلایل عمده وقوع سیلاب در مناطق شهری است (رادمهر، ۱۳۹۰: ۱)؛ به‌عبارت دیگر، توسعه روزافزون مناطق شهری، از بین رفتن اراضی کشاورزی و زمین‌های غیرقابل نفوذ توسعه‌یافته، موجب افزایش حجم و ارتفاع رواناب ناشی از بارش در حوضه‌های شهری شده‌است. ضمن اینکه جریان جاری شده در حوضه‌های شهری به دلیل عبور از مناطق مختلف در سطح، دارای کیفیت نامناسب بوده و همراه خود مقدار زیادی آلودگی حمل می‌کند (رازدار و همکاران، ۱۳۸۹: ۱).

در نواحی شهری، بخش زیادی از زمین ——— مواد غیرقابل نفوذ پوشیده شده که ویژگی این مواد کاهش نفوذپذیری و تشکیل سریع رواناب سطحی است که باعث ایجاد سیل، بدون ارتباط با دشت سیلابی می‌شود. البته باید توجه داشت که پیچیدگی ——— محیط‌های شهری و زیرساخت‌های مربوط به زهکشی،

کاری و برنامه‌ریزی موردنظر، به شناخت ویژگی‌های طبیعی و عمومی منطقه همچون اقلیم، زمین‌شناسی و توپوگرافی، کاربری اراضی و پوشش گیاهی و شاخص‌های مربوط پرداخته و با شناخت این عوامل و متغیرها، نقش آن‌ها در ظهور رواناب‌های سطحی و سیلاب‌های برون‌شهری و درون‌شهری با مقادیر مشخص در شهرهای مختلف خارج و داخل کشور تعیین شده‌است. در ادامه به شرح اجمالی برخی از مهم‌ترین این تحقیقات در داخل و خارج از کشور پرداخته می‌شود.

خلیقی سیگارودی و ثقفیان (۱۳۸۴) به بررسی تأثیر تغییرات کاربری اراضی در دبی اوج و حجم سیلاب حوضه آبخیز باراندوزچای در استان آذربایجان غربی پرداختند و بیان کردند که تغییرات کاربری اراضی موجب تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای در پتانسیل تولید رواناب حوضه شده‌است.

قهرودی تالی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان ارزیابی مدل SCS-CN در تخمین رواناب مدل مذکور را در حوضه آبریز سد امیرکبیر کرج توسط فنون سیستم اطلاعات جغرافیایی اجرا کرد و به این نتیجه رسید که استفاده از مدل وزنی در محاسبه شماره منحنی، این امکان را فراهم می‌سازد که تمام عوامل مؤثر در تولید رواناب در نظر گرفته شود و در نتیجه تخمین درست‌تری از رواناب ناشی از بارندگی به دست آید.

روستایی و همکاران (۱۳۸۷) به مطالعه رواناب حوضه‌های شهری شمال تهران با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی در ترکیب با مدل‌های بارش/ رواناب در طراحی شبکه سیلاب روی شهرها پرداختند. این شیوه، به روش آزمون و خطا برای رسیدن به آرایش و ابعاد بهینه انجام می‌گیرد و می‌تواند در کاهش زمان، هزینه و خسارت‌های ناشی از سیل بسیار مؤثر باشد.

بژی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به نقش مدیریت

قابلیت‌های سیستم اطلاعات جغرافیایی و بهره‌گیری از تکنیک‌های برنامه‌ریزی شهری به بررسی، شناسایی و مدیریت آب‌های سطحی و سیلاب‌های شهری، به هنگام وقوع بارندگی در چهار منطقه شهرداری شهر کرمان پرداختد. مسأله اصلی اینجاست که گسترش سطوح نفوذناپذیر در سطح شهر کرمان باعث افزایش میزان رواناب شده‌است و از طرف دیگر، مسیل‌ها و حریم آن‌ها نیز مورد تعرض و ساخت‌وساز قرار گرفته‌اند و این خطر بالقوه‌ای است که بخش‌هایی از شهر را در معرض تهدید جدی قرار می‌دهد؛ از این‌رو چنین به نظر می‌رسد که مهم‌تر از عوامل طبیعی و جوئی، شهری‌شدن مناطق طبیعی (یعنی عوامل انسانی) باعث افزایش حجم و شدت رواناب ناشی از بارندگی در این شهر شده که علاوه بر ایجاد اختلال در عبور و مرور و فعالیت‌های عادی مردم، باعث وقوع سیلاب و در نتیجه خسارت به اماکن و تأسیسات شهری و به‌مخاطره‌انداختن مناطق مسکونی، اراضی کشاورزی و تأسیسات زیربنایی پایین دست نیز می‌شود؛ بنابراین ضمن تحلیل‌های مبتنی بر تفسیر عوامل به‌وجودآورنده رواناب از منظر شاخص‌های مؤثر برنامه‌ریزی شهری، به‌منظور رفع مشکلات ناشی از تجمع رواناب‌ها در این شهر، راهکارهای پیشنهادی ارائه شده‌است. به‌طور مشخص، این پژوهش به‌دنبال یافتن پاسخ سؤال‌های زیر است: عوامل ایجاد رواناب‌های مسأله‌ساز شهر کرمان براساس میزان ریسک کدام‌اند؟ توزیع و پراکنش فضایی رواناب‌های مسأله‌ساز مناطق مختلف شهر کرمان چگونه است؟ طبقه‌بندی مناطق به زیرحوضه‌ها در هر منطقه از شهر کرمان به‌منظور ارائه مدل تخمین رواناب چگونه است؟ راهکارهای کاربردی برای مقابله با رواناب‌های مسأله‌ساز مناطق مختلف شهر کرمان کدام‌اند؟ به‌منظور بررسی علل وقوع رواناب‌های شهری، تاکنون پژوهش‌های متعددی با بررسی زیرحوضه‌ها و واحدهای

هیدرولوژیکی حوضه آبریز شهری با استفاده از مدل SWMM در شهر کرمان پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد، بیشترین حجم سیلاب مربوط به گره‌های انتهایی حوضه بوده که مقدار حجم رواناب در این گره‌ها به ترتیب برابر با ۰/۱۷، ۰/۱۱ و ۰/۰۵ متر مکعب بوده‌است. همچنین ملاحظه شد که دو ساعت پس از شروع شدیدترین سیلاب، حجم رواناب در داخل کانال‌ها به بیشترین میزان خود می‌رسد.

بوfo (۱۹۹۸) به توجیه نظری مدل SCS برای تخمین رواناب پرداخت و ارتباط بین بارش و رواناب در این مدل را با در نظر گرفتن توزیع نمایی تغییرات نفوذ با زمان، بررسی کرد. وی با آزمایش چگونگی تغییرات زمانی و مکانی شدت بارش و ظرفیت واقعی نفوذ، اساس علمی روش SCS را تأیید کرد.

کریک‌بای و همکاران (۲۰۰۵) به بررسی نقش توزیع زمانی بارندگی و عوامل مورفولوژیکی بر تولید رواناب در آبخیزهای خشک حوضه آبخیز گودالتین در اسپانیا پرداختند. آن‌ها با کاربرد مفهوم حد آستانه رواناب در رابطه اصلاح‌شده گرین-آمیت و تعیین دقیق مقادیر شماره منحنی در حوضه مورد تحقیق، زمینه‌های افزایش دقت برآوردهای ناشی از مدل SCS را فراهم آوردند. اینسی تکلی و همکاران (۲۰۰۶) اعداد شماره منحنی را برای حوضه گاونس در هندوستان با استفاده از GIS و RS مشخص کردند. آن‌ها در تعیین کاربری اراضی از نقشه‌های لندست TM و برای تعیین تراکم پوشش گیاهی نیز از شاخص NDVI استفاده کردند. مقادیر بارش و رواناب اندازه‌گیری از سال ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۵ حوضه آبریز به‌منظور محاسبه دبی سیلاب برای دوره‌های بازگشت گوناگون استفاده شد؛ همچنین آن‌ها اعداد شماره منحنی را که با استفاده از تکنیک‌های GIS و RS تعیین شد، با شماره منحنی که با روش تناوبی (فراوانی S) به‌دست آمد، مقایسه کرده و اثر تغییرات بین این شماره منحنی‌ها را روی دبی

کاربری اراضی در کاهش سیل‌گرفتگی شهر قوچان پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که با مدیریت صحیح تخصیص کاربری اراضی مناسب هر منطقه با شناخت عواملی از جمله: توپوگرافی، زمین‌شناسی، ژئومورفولوژی و... می‌توان خسارات ناشی از سیلاب‌های شهری را در شهر قوچان به حداقل رساند.

رادمهر (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود به تهیه نقشه‌های خطرپذیری رواناب به‌منظور اتخاذ تصمیمات دقیق‌تر در مدیریت رواناب شهری با استفاده از تلفیق روش تصمیم‌گیری چندمعیاره در محیط سیستم اطلاعات جغرافیایی در قالب یک سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری با هدف تهیه نقشه‌های معیار و نقشه نهایی پتانسیل سیل‌خیزی، از یک جعبه ابزار توسعه‌داده‌شده در محیط نرم‌افزار ArcGIS استفاده کرد.

دهلوی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با بررسی مدیریت رواناب‌های شهری با استفاده از GIS و RS مناطق آسیب‌پذیر را شناسایی کرد. وی آسیب‌پذیری یک حوضه شهری را از نظر رواناب، از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد و با اولویت‌بندی مناطق مختلف یک حوضه شهری به‌لحاظ میزان آسیب‌پذیری، شرایط را برای ارائه طرح‌های هدفمندتر شهری و اثربخشی بالاتر فراهم کرد.

مافی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت و دفع رواناب‌های شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی و تکنیک River Tools در شهر اهواز» نشان دادند که در این شهر به‌علت شیب کم، امکان تخلیه ثقیل و به‌علت هزینه زیاد، امکان پمپاژ آب به رودخانه کارون وجود ندارد. با استفاده از تحلیل‌های GIS بهترین مسیر طبیعی منطبق بر خیابان‌ها برای تخلیه رواناب مشخص شد و درنهایت، نقشه شبکه پیشنهادی دفع آب‌های سطحی از منطقه مورد مطالعه ارائه شد.

مرادی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر

آب‌گرفتگی و بروز صدمات جدی به تأسیسات شهری شود. از طرفی، به‌طور معمول عوامل زمینی یا بسترهای طبیعی، توانایی جذب و انتقال مقدار قابل توجهی از رواناب‌های ایجادشده را دارد؛ اما در مناطقی که نفوذپذیری خاک پایین و شرایط نیمه‌اشباع برقرار باشد، خاک توانایی جذب آن را نداشته و موجب افزایش رواناب در منطقه شده‌است که با تداوم بارندگی موجب آبگرفتگی و وقوع سیلاب می‌شود؛ از این رو گسترش ساخت‌های مصنوعی و تخریب هرچه بیشتر بسترهای طبیعی موجب کاهش نفوذپذیری خاک در مناطق مسکونی و شهری می‌شود که این مسأله در ایجاد رواناب‌های مسأله‌ساز نقش بسزایی دارد.

در مطالعات مرورشده، عموماً از مدل SCS برای برنامه‌ریزی، مدیریت رواناب شهری و افزایش سطح خدمات شهری استفاده شده‌است. نتایج نشان‌دهنده کارایی لازم این مدل برای تخمین ارتفاع رواناب در مناطق شهری است و پس از شناخت مناطق دارای آبگرفتگی و بروز سیلاب می‌توان از این مدل برای مدیریت رواناب در مناطق شهری استفاده کرد. همچنین نتایج حاصل از پژوهش‌های محققان نشان داد، میزان و دفعات بروز سیلاب و ایجاد رواناب در هر منطقه، به عوامل بسیاری وابسته است. ویژگی‌های فیزیکی حوضه، ویژگی‌های هیدرولوژیکی و اقدامات ناشی از فعالیت‌های بشری در بروز و تشدید ایجاد سیلاب‌های شهری یا کاهش و افزایش میزان خسارت‌های ناشی از آن دخالت دارند. شناخت این عوامل و دسته‌بندی‌ها آن‌ها در هر منطقه‌ای، از اصول اولیه مهار رواناب و کاهش خطرات ناشی از آن است. به این ترتیب در کنترل و ایجاد راه‌حل، شناخت عوامل مؤثر بر آن اهمیت بسیار زیادی دارد؛ به‌عبارت دیگر، پیش از هرگونه برنامه‌ریزی برای کنترل رواناب، باید رفتار فرایندهای آن را به‌خوبی شناخت.

سیلاب حوضه آبریز مشخص کردند. سارانگی و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی به پیش‌بینی سطح رواناب حوضه‌های فاقد اندازه‌گیری در زیرحوضه‌های بانها در هند اقدام کردند. برای انجام این تحقیق از مدل‌های شماره منحنی و هیدروگراف واحد لحظه‌ای ژئومورفولوژیکی (GIUH) استفاده شد. نتایج نشان داد که روش SCS برای پیش‌بینی سطح رواناب با بارش‌های طولانی بسیار مناسب است و برای حوضه بدون اندازه‌گیری شده با داشتن ویژگی‌های ژئومورفولوژی یکسان کارآمدتر است.

آماتا و پورچلوان (۲۰۰۹) با استفاده از روش شماره منحنی به برآورد رواناب سطحی در زیرحوضه مالاتار پرداختند. آن‌ها با گردآوری بارش روزانه و ماهانه ایستگاه باران‌سنجی گادیاتام برای سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۷۱ به پیش‌بینی و برآورد رواناب روزانه، ماهانه و سالانه حوضه اقدام کردند.

وانگ و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که افزایش ۱۰، ۱۵ و ۳۰ درصدی سطوح غیرقابل نفوذ شهری معمولاً باعث ۲، ۳ و ۵ برابر شدن احتمال رخداد سیلاب‌هایی با دوره بازگشت دو ساله خواهد شد. البته باید توجه داشت که کاهش سطوح غیرقابل نفوذ شهری با روند فزاینده رشد و گسترش شهرها، تقریباً امری محال و دست‌نیافتنی است. در این میان، مدیریت کاربری اراضی و تهیه زیرساخت‌های لازم، مهم‌ترین ابزار در جهت کاهش مخاطرات سیل در بلندمدت است.

براساس تحلیل نتایج مطالعات انجام‌شده، دلایل وقوع رواناب را می‌توان به‌طور کلی به سه دسته طبقه‌بندی کرد: ۱- عوامل جوئی؛ ۲- عوامل زمینی؛ ۳- عوامل انسانی. یکی از عوامل اصلی جاری‌شدن رواناب در شهرها، بارش نزولات جوئی با شدت بالاست؛ در صورتی که اقدامات جدی در جهت هدایت و انتقال رواناب پیش‌بینی نشده باشد، می‌تواند موجب

کتابخانه‌ای، میدانی، مراجعه به بانک اطلاعاتی شهرداری و سازمان هواشناسی آمار موجود در پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های مرتبط استفاده شده‌است؛ بنابراین ابزارهای مورداستفاده در این تحقیق عبارت است از: مشاهده و فیش‌برداری.

از مدل SCS برای تخمین رواناب، از روش AHP-Fuzzy با کمک نرم‌افزار متلب برای وزن‌دهی معیارهای تأثیرگذار در ایجاد رواناب، از نرم‌افزار ArcGIS برای نشان‌دادن پراکنش فضایی رواناب و از نرم‌افزار SMADA برای تخمین دوره بازگشت بارش استفاده شد که در ادامه به تشریح دقیق روش‌شناسی پژوهش حاضر پرداخته شده‌است.

الف- روش‌شناسی

- معرفی متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل شامل شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری و متغیر وابسته شامل رواناب‌های سطحی شهر کرمان است. مؤلفه‌ها و شاخص‌های متغیر مستقل در جدول (۳) آورده شده‌است. درواقع جدیدترین ابزارهای اندازه‌گیری برنامه‌ریزی شهری، معیارها (شاخص‌هایی) هستند که در تلاش برای پیوند بین ساختار طبیعی، ساختار فضایی- فیزیکی و ساختار انسانی مطرح می‌شوند؛ بنابراین چنین معیارهایی مجموعه‌ای از سنجه‌های مختلف بوده که به تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان برای اصلاح فعالیت‌ها و فرایندهای برنامه‌ریزی کمک کرده و می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای مدیریت برنامه‌های موجود و چارچوبی برای طراحی فعالیت‌های آینده عمل کند. برای سنجش و ارزیابی رواناب‌های سطحی قلمرو پژوهش، معیارهای جامع تأثیرگذار طبیعی و انسانی در نظر گرفته شد.

- معرفی روش تخمین رواناب (SCS)

روش SCS نخستین بار توسط سازمان حفاظت خاک آمریکا برای تخمین رواناب از روی رگبارها، ویژگی‌های نفوذپذیری خاک، پوشش گیاهی و کاربری اراضی ارائه

در تحقیقات انجام‌شده، از انواع مدل‌های ریاضی برای انجام محاسبات هیدرولوژیکی حوضه‌ها استفاده شد که هرکدام از مدل‌های فوق با توجه به نوع حوضه و شرایط منطقه مورد مطالعه انتخاب شد. با توجه به اینکه تحقیقات گسترده‌ای در زمینه عوامل مؤثر بر افزایش خسارات سیلاب شهری مطرح شد؛ با این وجود، در نظر گرفتن مدل‌های هیدرولوژیکی سبب می‌شود تا تحلیل مناسبی در زمان وقوع سیلاب ارائه نشود و فقط یک تحلیل قیاسی میان عوامل در نظر گرفته‌شده صورت گیرد. پس اجرای یک مدل ریاضی، معیار مناسبی برای تحلیل جریان آب ناشی از بارندگی و اراضی تحت تأثیر سیل به‌نظر می‌رسد. در تدوین پژوهش حاضر، از تجارب محققانی که قبلاً در این زمینه کار کردند، استفاده شده و سعی بر این بوده تا جنبه‌های کاربردی مطالب موردتأیید بیشتری قرار گیرد. در بین مدل‌های متعدد استفاده‌شده توسط محققان مختلف، مدل شماره منحنی برای این تحقیق مناسب دانسته شد. دلیل انتخاب این مدل، به سبب سادگی و دقیق بودن نتایج به‌دست‌آمده از آن، شرایط منطقه مطالعاتی و آمارهای موجود بوده‌است. همچنین از این مدل معمولاً برای حوضه‌های کوچک شهری، حوضه‌های طبیعی متوسط و حوضه‌هایی که در آن‌ها داده‌های اندازه‌گیری دبی وجود ندارد (نظیر قلمرو این پژوهش)، استفاده می‌شود. علاوه بر این، شماره منحنی مدلی است پیش‌بینی‌کننده که ورودی‌های محیطی را به‌خوبی ثبت می‌کند و روش تأییدشده‌ای است که به‌طور گسترده در آمریکا و دیگر کشورها موردپذیرش قرار گرفته‌است (کومار و همکاران، ۲۰۱۰).

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و به‌لحاظ روش از نوع تحلیلی- آماری است. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات پژوهش حاضر، از مطالعات اسنادی،

Q: میزان رواناب ناشی از بارندگی برحسب اینچ، I_a : مقدار نگهداشت اولیه برحسب اینچ، F: مقدار نفوذ تجمعی حاصل از بارندگی برحسب اینچ است. تفاوت بین بارندگی و رواناب با در نظر نداشتن میزان نگهداشت اولیه، برابر با مقدار نفوذ تجمعی (F) است و رابطه ساده (۴) در این مورد قابل ارائه است:

$$F = P - Q \quad \text{رابطه (۴)}$$

$$I_a = 0.2S \quad \text{رابطه (۵)}$$

معادله نهایی به صورت رابطه (۶) است:

$$Q = \frac{(P-0.2S)^2}{(P+0.8S)} \quad \text{رابطه (۶)}$$

$$-254 S = \frac{25400}{CN} \quad \text{رابطه (۷)}$$

در این روابط، S: ضریب نگهداشت سطحی، Q: ارتفاع رواناب، P: ارتفاع بارندگی، CN: شماره منحنی رواناب است که بین صفر تا صد متغیر بوده و با توجه به جدولی که توسط سازمان حفاظت خاک ایالات متحده (SCS) براساس کاربری اراضی، پوشش، گروه‌های هیدرولوژیکی و شرایط رطوبت پیشین تهیه کرده، محاسبه می‌شود. شماره منحنی حوضه آبریز از ۳۰ تا ۸۲ متغیر است. در صورتی که شرایط حوضه از نظر عوامل مؤثر بر CN یکنواخت نباشد، باید مقدار میانگین وزنی CN برای کل حوضه محاسبه شود (یعقوبزاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۶).

- معرفی ابزار Arc CN-Runof

در دهه‌های اخیر، توسعه مدل‌های هیدرولوژی مبتنی بر سیستم اطلاعات جغرافیایی، مورد توجه محققان و دانشمندان قرار گرفته است. یکی از آن‌ها، ابزار ArcCN-Runof است که توسط ژان و همکاران (۲۰۰۴) به منظور تعیین ارتفاع و حجم رواناب براساس روش SCS ارائه شد. محاسبه شماره منحنی و رواناب برای هر پلیگون به صورت جداگانه، از ویژگی‌های این ابزار است. ورودی‌های این ابزار به شرح زیر است: لایه Landsoil، جدول شاخص (Index) و مقدار بارش (P).

شد. این روش برای حوضه‌های کوچک و شهری، همچنین برای حوضه‌های متوسط، بسیار مناسب است. مراحل به کارگیری روش SCS به طور خلاصه شامل محاسبه ارتفاع بارندگی در زمان تمرکز، محاسبه شماره منحنی در هر یک از زیرحوضه‌های منطقه با استفاده از درصد وزنی سطوح انواع کاربری، محاسبه ارتفاع رواناب، محاسبه حداکثر سیلاب در دوره بازگشت‌های مختلف است.

بنیان ریاضی روش SCS به این شکل است که هر رگبار در برآورد رواناب سطحی به دو مؤلفه تلفات و جریان سطحی (رواناب یا باران خالص) تفکیک می‌شود. معمولاً ارتفاع باران عامل مهمی در جریان سطحی است. جنس زمین، شیب، پوشش گیاهی و رطوبت اولیه خاک نیز از دیگر عوامل مهم هستند که معادلات خاص خود را دارند. رواناب یکی از متغیرهای هیدرولوژیکی بسیار مهم و مورد استفاده در اکثر کاربردهای منابع آب است. پیش‌بینی قابل اطمینان از کیفیت و نسبت رواناب سطح زمین در داخل جریان‌های رودخانه‌ها دشوار بوده و برای حوضه‌های آبریز فاقد داده‌های اندازه‌گیری شده، زمان زیادی باید صرف شود تا این پیش‌بینی به دست آید. روش‌های مختلفی برای محاسبه شدت رواناب وجود دارد، در روش SCS تعیین شماره منحنی که تابعی از ویژگی‌های خاک، کاربری اراضی، خصوصیات هیدرولوژیکی مانند رطوبت پیشین خاک می‌باشد، ضروری است (نایاک و جیسوال، ۲۰۰۳: ۴۷).

در این روش، ارتفاع به دست آمده از یک بارندگی به صورت زیر محاسبه می‌شود (علیزاده، ۱۳۸۳: ۷۳۵):

$$P = S + Q \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$S + = I_a + F \quad \text{رابطه (۲)}$$

$$P = I_a + F + Q \quad \text{رابطه (۳)}$$

در این روابط، P: ارتفاع بارندگی به دست آمده برحسب اینچ، S: حداکثر پتانسیل نفوذ تجمعی برحسب اینچ،

است که برای تحلیل آماره‌ها و همچنین، تخمین دوره بازگشت بارش مورد استفاده قرار گرفت. این نرم‌افزار توزیع آماری Distrib2.0 است که به آن می‌توان سری زمانی داده‌ها را با پنج روش انجام داد و دوره بازگشت سری آن‌ها را به دست آورد.

- معرفی روش تحلیل سلسله‌مراتبی **AHP-Fuzzy** - چانگ، با ادغام فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و منطق فازی، روش تحلیل توسعه‌ای (AHP-Fuzzy) را پیشنهاد کرد. این مدل‌سازی نسبتاً جدید بوده که توسط لارهوون و پدیریچ توسعه داده شد و AHP را برای حالتی که به محیط‌های فازی و مبهم منجر می‌شود، بسط دادند. این متد، توانایی سروکار با موارد عدم اطمینان و نسبی بودن قضاوت‌های انسانی را دارد. به عبارت بهتر، استفاده از مجموعه‌های فازی، سازگاری بیشتری با توضیحات زبانی و بعضاً مبهم انسانی دارد؛ پس بهتر است که با استفاده از مجموعه‌های فازی (به‌کارگیری اعداد فازی) به پیش‌بینی بلندمدت و تصمیم‌گیری در دنیای واقعی پرداخت.

- فرایند کار

مطالعات در این پژوهش در سه سطح انجام شده که در ادامه فرایند آن ارائه می‌شود. ابتدا معیارهای مؤثر برنامه‌ریزی شهری بر رواناب‌های سطحی تعیین و وزن‌دهی شد؛ سپس در سطح کل شهر کرمان، میزان ریسک رواناب‌های سطحی محاسبه و در قالب نقشه مشخص شد. در گام آخر به صورت مجزا برای هر یک از مناطق شهر، پراکنش فضایی رواناب‌های سطحی و ارتفاع رواناب بر روی نقشه نمایش داده شد و به منظور بهبود مدیریت صحیح رواناب‌ها، راهکارهای اجرایی و مصادیق آن‌ها آورده شد. بدین ترتیب با توجه به مطالب فوق، همچنین روش‌شناسی پژوهش می‌توان فرایند طراحی و تبیین معیارها (چارچوب و فرایند) را با شکل (۱) و جدول (۲) تبیین کرد.

- معرفی برآورد مقادیر شماره منحنی (CN) در روش SCS نیاز به تخمین CN است که در اصطلاح به آن شماره منحنی گفته می‌شود. برای تعیین CN در سطح حوضه، ابتدا باید نوع خاک حوضه بسته به نفوذپذیری آن مشخص شود. در این رابطه حوضه به یکی از گروه‌های A، B، C یا D تقسیم می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱. طبقه‌بندی خاک‌های حوضه برحسب نفوذپذیری

گروه	حداقل نفوذپذیری (میلی‌متر در ساعت)
A	۷/۵-۱۱/۵
B	۳/۸-۷/۵
C	۱/۳-۳/۸
D	۰-۱/۳

(منبع: یعقوب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹)

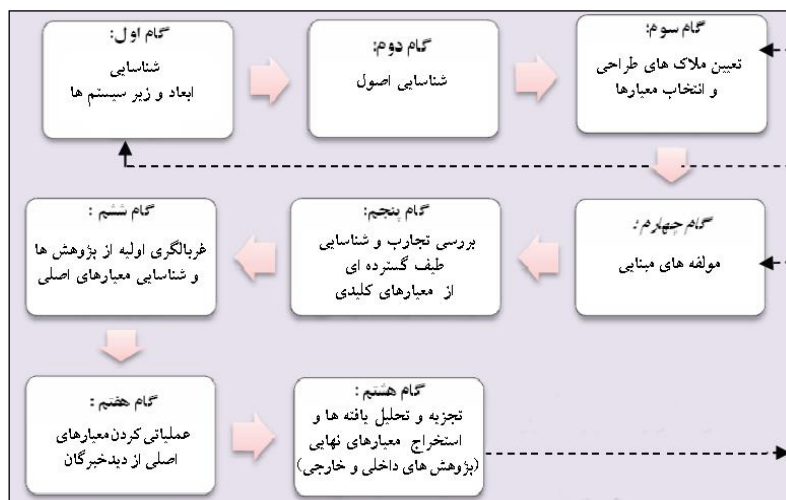
در روش SCS خاک به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر رواناب، به چهار گروه هیدرولوژیکی A، B، C و D تقسیم می‌شود. مأخذ نقشه اطلاعاتی گروه‌های هیدرولوژیکی خاک از نقشه مؤسسه تحقیقات آب و خاک ایران است و توسط سازمان حفاظت خاک آمریکا محاسبه و تعیین شد که یک روش استاندارد است. در این حالت با تلفیق اطلاعات محدود حوضه و زیرحوضه‌ها، موقعیت و پراکنش انواع خاک‌ها تعیین شد.

- محاسبه ضریب رواناب (C)

در رابطه فوق یکی از عوامل، C یا ضریب رواناب حوضه است و آن نسبتی از بارندگی است که بر سطح زمین جریان می‌یابد. ضریب رواناب هر حوضه به عواملی همچون میزان نفوذپذیری سطح حوضه، پوشش گیاهی، شیب زمین و شدت بارندگی بستگی دارد (اصغری‌مقدم، ۱۳۷۸: ۱۰۳).

- معرفی نرم‌افزار هیدرولوژی SMADA

نرم‌افزار SMADA که نخستین بار در دانشگاه فلوریدا طراحی شد، از دیگر ابزار مورد استفاده در این پژوهش



شکل ۱. فرایند انتخاب معیارهای برنامه ریزی شهری مؤثر بر رواناب های سطحی (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

جدول ۲. چارچوب فرایند بر مبنای شرایط شهر کرمان

- میدانی (بررسی سایت و پرسشگری در منطقه مطالعه) - اسنادی (بررسی و مطالعه اسناد و طرح های بالادستی) - پرسشگری (یا مصاحبه با گروه های هدف) برای صاحب نظران و گروه متخصصان			روش های جمع آوری اطلاعات
محل و اطلاعات توصیفی عوامل و مؤلفه های مؤثر برنامه ریزی شهری بر رواناب های سطحی			عوامل و عوارض مورد نیاز
			معیارها
عوامل انسانی	عوامل زمینی (بستر زمین)	عوامل جوی	ابعاد
ساختار انسان ساخت		ساختار طبیعی	سیستم ها
قلمرو پژوهش			جامعه

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

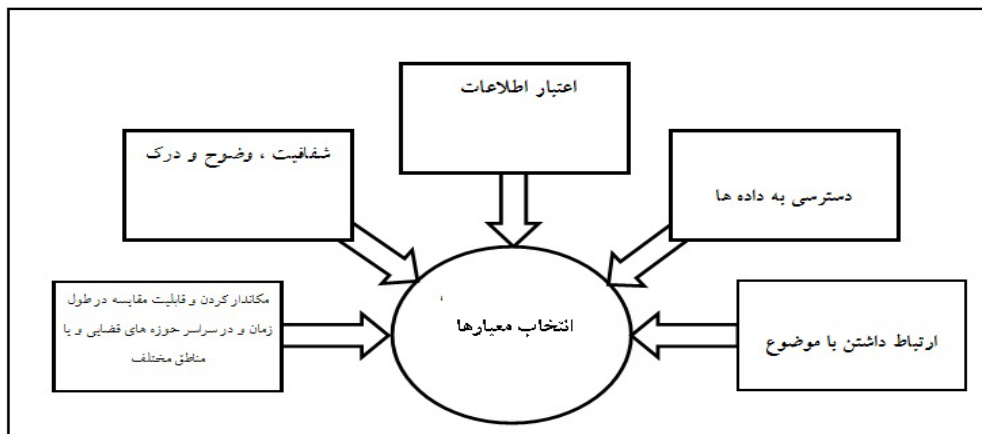
همچنین همسویی با واقعیت های قلمرو پژوهش باید براساس چه ملاک هایی انتخاب شوند؟ بنابراین، ملاک های انتخاب بدین معناست که «چه چیزی نمایانگر معیارها و معرف های خوب است؟»؛ به همین علت، ملاک های انتخاب معیارها و معرف های تحقیق، می بایست دربرگیرنده ویژگی های اساسی باشد که به ازای هر معیار و معرف، مدنظر قرار گیرد؛ از این رو با توجه به اینکه معیارهای انتخابی بایستی جامع باشند، تعداد آنها نیز باید به اندازه ای باشد که علاوه بر پوشش کامل موضوع، ارزیابی را پیچیده و دشوار نکند؛ همچنین با توجه به ملاک های انتخاب معیار که از

در این میان، هدف این است که فرایند عملی بررسی رواناب های سطحی برحسب شرایط منطقه در محدوده زمانی-مکانی مشخصی و به صورت یکپارچه ایجاد شود و نه در سطوح مطلق پایداری و مجزا. از طرف دیگر، با توجه به ویژگی ها و پیچیدگی های ساختار، تعیین سیستم ها و ابعاد می تواند در انتخاب متغیرهای مناسب مؤثر بوده و در برنامه ریزی با روش های مناسب تر، پاسخگوی اداره سیستم های قلمرو پژوهش باشد.

در فرایند تهیه معیارها، نحوه انتخاب شاخص ها و معرف ها مورد نیاز است و پرسش اساسی این است که معیارها برای پوشش دادن اهداف و اصول تحقیق و

معیارها در پژوهش حاضر به شرح شکل (۲) است.

سوی سازمان‌ها و مؤسسات جهانی و نیز سایر متخصصان ارائه شده، ملاک‌های ارزیابی عملیاتی کردن



شکل ۲. ملاک‌های انتخاب معیارهای برنامه‌ریزی شهری مؤثر بر رواناب‌های سطحی (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

منظور از رواناب‌های شهری آب‌هایی است که در سطوح شهری در اثر بارش باران، یا آب حاصل از ذوب برف تولید و به سمت منابع پذیرنده سرازیر می‌شود (عرب‌خدری، ۱۳۷۴: ۶۵). امروزه با توسعه شهرنشینی و گسترش شهرها، موضوع مدیریت حوضه‌های شهری بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته‌است؛ زیرا شهرسازی باعث به هم زدن تعادل اکولوژیک حوضه‌ها، روند پایدار هیدرولوژیکی و افزایش نفوذناپذیری آنان شده‌است. به هر اندازه که سطح شهرها افزایش می‌یابد، به همان نسبت شبکه هیدروگرافی حوضه و آب‌های سطحی حوضه در حال تغییر است (لگزیان و حجتی‌پور، ۱۳۹۰: ۱).

با تسریع روند توسعه و گسترش مناطق شهری و تخریب محیط زیست، نفوذپذیری زمین نیز کاهش یافته است. توسعه یک منطقه شهری شامل پوشاندن زمین با سطوح مصنوعی، اثر قابل ملاحظه‌ای بر فرایند جریان سطحی می‌گذارد (کاویان‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۳)؛ به طوری که تولید رواناب اراضی شهری

رویکرد زیربنایی که هم‌اکنون در برنامه‌ریزی شهری به کار می‌رود، رویکرد مبتنی بر داده‌های مکان‌دار است. بر این مبنای، در جمع‌بندی معیارها به عوامل و معیارهایی پرداخته شد که ماهیت مکانی دارند و امکان تهیه لایه‌های مکانی، یا بررسی آن‌ها در محیط GIS وجود دارد.

ب- مبانی نظری تحقیق

- رواناب‌های شهری

با افزایش میزان آب حاصل از بارندگی و نفوذ آب، به تدریج نفوذپذیری خاک کاهش می‌یابد و به همان میزان به آب‌هایی که در سطح زمین جریان می‌یابد، افزوده می‌شود. آب‌های ناشی از بارندگی که بر سطح زمین جاری می‌شود، به طرف نقاط پست‌تر و گودتر جریان می‌یابد. این آب‌ها در طول مسیرشان به تدریج شبکه‌های فرعی را به وجود آورده و در نهایت به رودخانه یا مسیل اصلی می‌ریزد و از طریق آن از حوضه خارج می‌شود. آب‌هایی که از این طریق در سطح زمین جریان می‌یابند، رواناب نامیده می‌شود (اصغری‌مقدم، ۱۳۷۸: ۹۹).

ناشی از رگبارهای شدید، یکی از خطرات عمده در ایجاد اختلال نظم در حوضه‌های شهری به‌شمار می‌رود؛ به‌همین دلیل لازم است که درک صحیحی از رفتار این حوضه‌ها و رواناب‌های به‌وجودآمده در آن‌ها داشت. برای رسیدن به این منظور لازم است از مدل‌سازی این حوضه‌ها به‌منظور طراحی درست شبکه‌ها استفاده کرد. این مدل‌ها وسیله مناسبی برای شناخت رفتار حوضه آبخیز در هنگام وقوع بارندگی است (اسکیلر و همکاران، ۱۹۸۷).

- مدل مفهومی پژوهش

همان‌طور که در روش‌شناسی تشریح شد، برای انتخاب مدل لازم است تا با توجه به وضعیت قلمرو پژوهش و توانایی‌هایی که مدل مناسب بایستی داشته باشد، مدل مدنظر را برای تحلیل اطلاعات انتخاب کرد. مهم‌ترین معیارهایی که در محاسبات هیدرولوژیکی و هیدرولیکی رواناب شهری بایستی در نظر داشت، نوع محاسبات، آمار و ارقام موردنیاز و شرایط منطقه است. پس از مطالعه مدل‌های فوق در زمینه‌های آبخیزداری شهری و رواناب‌های شهری، مدل سازمان حفاظت خاک آمریکا (SCS) برای تخمین عمق رواناب که مبتنی بر روش شماره منحنی است، انتخاب شد. هدف این روش، تعیین شماره منحنی رواناب حوضه آبریز است که می‌تواند پتانسیل رواناب را مشخص کند. براساس این انتخاب، مدل مفهومی پژوهش به شرح شکل (۳) تبیین شد.

نسبت به اراضی بکر و طبیعی ۲ تا ۶ برابر بیشتر است (سردشتی و سلطانی، ۱۳۸۹: ۳).

- حوضه آبخیز شهری و دلایل اهمیت مطالعه آن

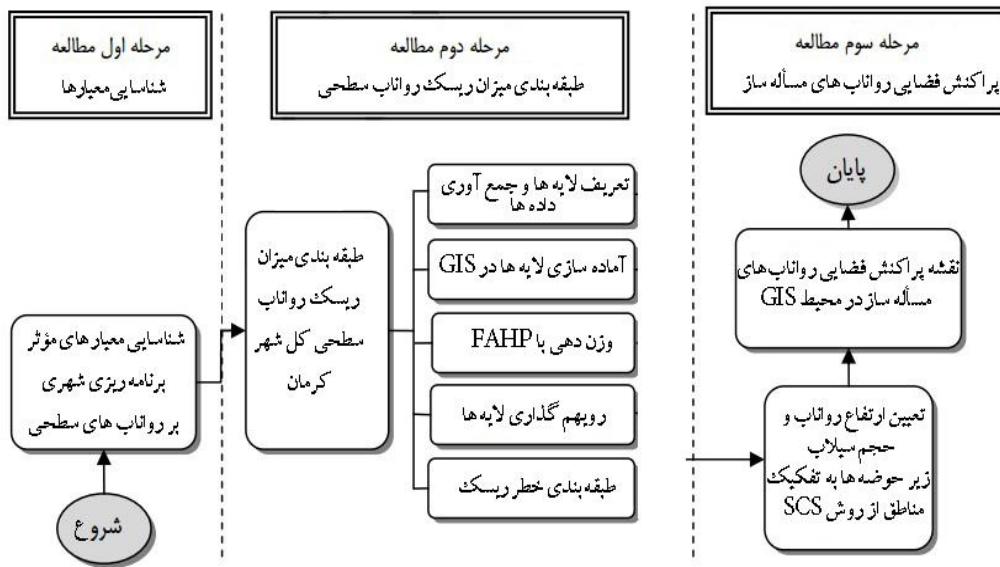
قسمتی از شهر که به‌طور کامل در محدوده شهری قرار داشته و کلیه بارش واقع شده بر روی آن از یک نقطه خروجی در داخل مرز شهر تخلیه می‌شود، «حوضه آبخیز شهری»^۱ نام دارد. بدین ترتیب کلیه سطوح نفوذناپذیر اعم از پشت‌بام‌ها، سطح آسفالت معابر، سطوح آزاد بتنی، جوی‌های آب و آبگیرها و نیز شبکه‌های زهکشی و جمع‌آوری فاضلاب، ذیل تعریف این حوضه قرار می‌گیرد. از منظر طبیعی، این مجموعه یگانه، بستر فعالیت زیست‌بوم به حساب می‌آید و مدیریت صحیح این سامانه بر محور آب، پایداری تمدن بشر را در این کره خاکی تضمین خواهد کرد. توسعه شهرسازی و جایگزین کردن تأثیر این پدیده بر روی رفتار حوضه‌های شهری را می‌توان به‌دلیل نسبت مستقیم رواناب با میزان نفوذناپذیری در موارد زیر خلاصه کرد:

- ریسک افزایش سیلاب حوضه به‌دلیل تجمع ناگهانی جریان رواناب، کاهش حجم سفره‌های آب زیرزمینی.
- به خطر انداختن پایداری مجاری انتقال آب طبیعی نظیر نهرا و رودخانه‌ها با احداث پل‌ها، کالورت‌ها و یا پر کردن کامل آن‌ها.
- افزایش میزان رسوب ناشی از جابه‌جایی خاک و ریختن مواد شن و ماسه در خیابان‌ها.

از طرف دیگر گرمایش جهانی و تغییر اقلیم باعث شده سیکل یکنواخت هیدرولوژی جهانی تغییر یابد و در نتیجه در زمانی که انتظار بارندگی نمی‌رود، با وقوع بارش‌های خارج از حد نرمال، سیلاب‌های بحرانی به‌وجود آید. وقوع یک رویداد ناگهانی بارندگی می‌تواند سیستم‌های شهری را مختل کرده و هزینه‌های سنگینی را بر دوش مدیران بگذارد؛ بنابراین رواناب‌های

1 - Urban Catchment

تحلیل فضایی ریسک رواناب‌های مسأله‌ساز با تکیه بر معیارهای برنامه‌ریزی شهری (موردشناسی: شهر کرمان)



شکل ۳. مدل مفهومی پژوهش
(دیاگرام تهیه‌شده نقشه ریسک رواناب در سطح شهر کرمان)
(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

یافته‌های تحقیق
شهری مؤثر بر رواناب‌های سطحی شهر کرمان در قالب جدول (۳) اکتشاف شد.

از نظر پژوهش‌های انجام‌شده و نیز دیدگاه خبرگان داخلی، مهم‌ترین معیارها (شاخص‌های) برنامه‌ریزی

جدول ۳. نتایج آنالیز پرسشنامه برای تعیین معیارهای مؤثر برنامه‌ریزی شهری بر رواناب سطحی

معیارها	زیرمعیارها	فراوانی نظرات خبرگان (درصد)		
		کم	متوسط	زیاد
عوامل اقلیمی	۱- مدت بارش	۲۲/۴	۲۶	۵۰/۳
	۲- زمان بارش	۹/۱	۲۱/۷	۵۶/۷
	۳- شدت بارش	۱۳/۲	۲۴/۲	۶۱/۳
	۴- میزان بارش	۲۳	۲۰/۳	۵۵/۴
عوامل زمینی	۱- شیب طبیعی شهر	۱۵	۲۴/۲	۵۹/۵
	۲- توپوگرافی منطقه	۱۶/۴	۲۱/۶	۴۸/۲
	۳- میزان نفوذپذیری خاک	۱۱/۸	۲۹/۶	۵۷/۲
عوامل انسانی	۱- شکل فیزیکی شهر	۱۹/۱	۲۸/۸	۵۰/۸
	۲- شکل فیزیکی آبراه‌ها	۱۲/۴	۱۰/۹	۶۵/۵
	۳- عرض خیابان‌ها	۱۲/۴	۲۰/۹	۵۵/۵
	۴- وجود یا نبود شبکه زه‌کشی سطحی	۱۰/۹	۲۰/۹	۶۶/۸
	۵- پوشش اراضی شهری (فضاهای ساخته‌شده و ساخته‌نشده)	۱۳	۲۱/۶	۶۰/۸

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

و زمان بارش با وزن ۰/۲۳۱ (جدول ۸)؛ همچنین، درجه اهمیت وزن زیرمعیارهای عوامل زمینی مؤثر بر رواناب سطحی برای شهر کرمان به ترتیب عبارت است از: میزان نفوذپذیری خاک با وزن ۰/۴۳۲ به عنوان مهم‌ترین عامل، شیب طبیعی شهر با وزن ۰/۳۵۴ و توپوگرافی منطقه با وزن ۰/۲۱۴ (جدول ۶). درجه اهمیت وزن زیرمعیارهای عوامل انسانی مؤثر بر رواناب سطحی برای شهر کرمان به ترتیب عبارت است از: پوشش اراضی شهری با وزن ۰/۲۴۵ به عنوان مهم‌ترین عامل، شکل فیزیکی آبراهه‌ها با وزن ۰/۲۳۱، وجود یا نبود شبکه زه‌کشی سطحی با وزن ۰/۲۱۱، عرض خیابان‌ها با وزن ۰/۱۷۸ و شکل فیزیکی شهر با وزن ۰/۱۳۵ (جدول ۷).

- وزن‌دهی معیارها با استفاده از روش AHPFuzzy - جدول (۴) اعداد فازی را به همراه وزن‌های نهایی استخراج شده از نرم‌افزار متلب نشان می‌دهد. طبق محاسبات جدول‌های (۵) تا (۷)، معیارهای (شاخص‌های) برنامه‌ریزی شهری مؤثر بر رواناب پس از فهرست شدن و غربال‌گری، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج وزن‌دهی معیارها نشان داد، درجه اهمیت وزن شاخص‌های اصلی برنامه‌ریزی شهری مؤثر بر رواناب سطحی شهر کرمان به ترتیب عبارت است از: عوامل زمینی با وزن ۰/۴۱۱ به عنوان مهم‌ترین عامل، عوامل انسانی با وزن ۰/۳۲۸ و عوامل جوی با وزن ۰/۲۶۱ (جدول ۴). درجه اهمیت وزن زیرمعیارهای عوامل جوی مؤثر بر رواناب سطحی شهر کرمان به ترتیب عبارت است از: میزان بارش با وزن ۰/۲۷۲، شدت بارش با وزن ۰/۲۵۶، مدت بارش با وزن ۰/۴۲۱

جدول ۴. ماتریس اعداد فازی عوامل اصلی به همراه وزن آن‌ها

وزن نهایی	عوامل انسانی	عوامل زمینی	عوامل جوی	معیارها
۰/۲۶۱	(۳، ۵، ۷)	(۱، ۱، ۳)	(۱، ۱، ۱)	عوامل جوی
۰/۴۱۱	(۳، ۵، ۷)	(۱، ۱، ۱)	(۱/۳، ۱، ۱)	عوامل زمینی
۰/۳۲۸	(۱، ۱، ۱)	(۱/۷، ۱/۱، ۵/۳)	(۱/۷، ۱/۱، ۵/۳)	عوامل انسانی

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

جدول ۵. ماتریس اعداد فازی عوامل جوی به همراه وزن آن‌ها

وزن	میزان بارش	شدت بارش	زمان بارش	مدت بارش	پارامتر
۰/۲۴۱	(۱/۹، ۱/۱، ۹/۷)	(۱/۷، ۱/۱، ۵/۳)	(۱/۵، ۱/۱، ۳)	(۱، ۱، ۱)	مدت بارش
۰/۲۳۱	(۱/۷، ۱/۱، ۵/۳)	(۱/۵، ۱/۱، ۳)	(۱، ۱، ۱)	(۱، ۳، ۵)	زمان بارش
۰/۲۵۶	(۱/۵، ۱/۱، ۳)	(۱، ۱، ۱)	(۱، ۳، ۵)	(۳، ۵، ۷)	شدت بارش
۰/۲۷۲	(۱، ۱، ۱)	(۱، ۳، ۵)	(۳، ۵، ۷)	(۷، ۹، ۹)	میزان بارش

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

جدول ۶. ماتریس اعداد فازی عوامل زمینی به همراه وزن آن‌ها

وزن	میزان نفوذپذیری خاک	توپوگرافی شهر	شیب طبیعی شهر	پارامتر
۰/۳۵۴	(۳، ۵، ۷)	(۱، ۳، ۵)	(۱، ۱، ۱)	شیب طبیعی شهر
۰/۲۱۴	(۱، ۳، ۵)	(۱، ۱، ۱)	(۱/۵، ۱/۱، ۳)	توپوگرافی شهر
۰/۴۳۲	(۱، ۱، ۱)	(۱/۵، ۱/۱، ۳)	(۱/۷، ۱/۱، ۵/۳)	میزان نفوذپذیری خاک

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

تحلیل فضایی ریسک رواناب‌های مسالداز با تکیه بر معیارهای برنامه‌ریزی شهری (موردشناسی: شهر کرمان)

جدول ۷. ماتریس اعداد فازی عوامل انسانی به همراه وزن آن‌ها

وزن نهایی	پوشش اراضی	شبکه زه‌کشی	عرض خیابان‌ها	شکل آبراهه‌ها	شکل شهر	معیارها
۰/۱۳۵	(۳، ۵، ۷)	(۵، ۷، ۹)	(۱، ۳، ۵)	(۱، ۱، ۳)	(۱، ۱، ۱)	شکل شهر
۰/۲۳۱	(۱، ۳، ۵)	(۳، ۵، ۷)	(۱، ۱، ۳)	(۱، ۱، ۱)	(۱/۳، ۱، ۱)	شکل آبراهه‌ها
۰/۱۷۸	(۱، ۳، ۵)	(۳، ۵، ۷)	(۱، ۱، ۱)	(۱/۳، ۱، ۱)	(۱/۵، ۱/۱، ۳)	عرض خیابان‌ها
۰/۲۱۱	(۱/۳، ۱، ۱)	(۱، ۱، ۱)	(۱/۷، ۱/۱، ۵/۳)	(۱/۷، ۱/۱، ۵/۳)	(۱/۹، ۱/۱، ۷/۵)	شبکه زه‌کشی
۰/۲۴۵	(۱، ۱، ۱)	(۱، ۱، ۳)	(۱/۵، ۱/۱، ۳)	(۱/۵، ۱/۱، ۳)	(۱/۷، ۱/۱، ۵/۳)	پوشش اراضی

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

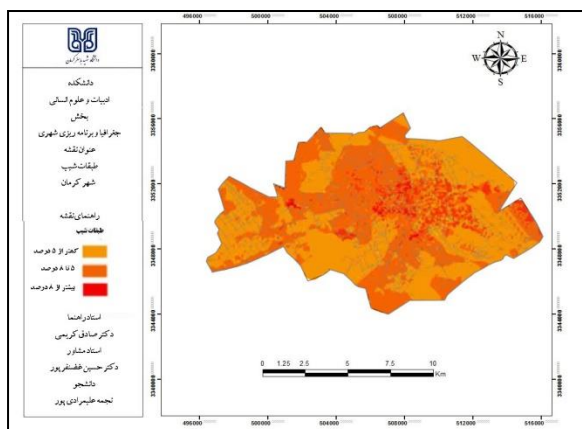
عنوان نقشه‌های معیار نام برده شده است. پس از مشخص شدن معیارها، نقشه هر کدام از معیارها در محیط ArcGIS پردازش و آماده‌سازی شد (شکل‌های ۴ تا ۱۰).

در گام بعدی، هر یک از لایه‌ها براساس وزن‌های به‌دست‌آمده از روش AHPFuzzy، در محیط ArcGIS پهنه‌بندی شد.

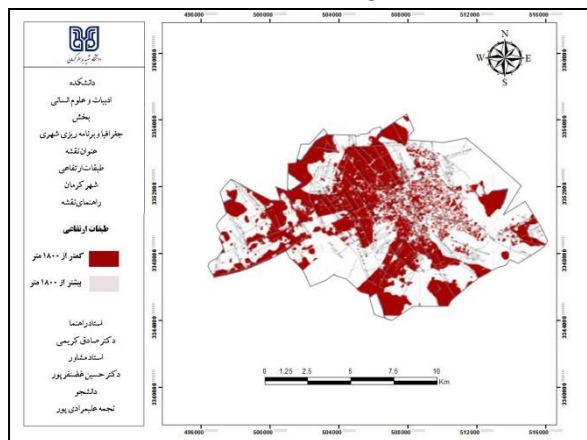
- جمع‌آوری، آماده‌سازی، پردازش و ساخت نقشه معیارها

پس از مشخص شدن معیارهای مورد استفاده در فرایند پژوهش با توجه به موارد ذکر شده در مرحله قبل، اولین مرحله در طراحی یک سامانه اطلاعاتی جغرافیایی، جمع‌آوری و آماده‌سازی لایه‌های اطلاعاتی مربوط به عوارض و عوامل مربوط به هر معیار است تا بتوان براساس آن نقشه‌های معیار مربوط را ایجاد کرد. در این پژوهش تمامی لایه‌های اطلاعاتی عوامل و عوارض نقشه‌های معیار، براساس سیستم تصویر UTM زون ۴۰ شمالی و مبنای بیضوی WGS1984 زمین مرجع شد. بدین منظور در آغاز کار، مرز قلمرو پژوهش (شهر کرمان) براساس تقسیمات کشوری در نظر گرفته شد. با توجه به در دسترس بودن تصاویر Landsat 7 (با قدرت تفکیک مکانی ۱۵ متر و ۳۰ متر) از این تصاویر برای بهنگام‌سازی برخی لایه‌های مورد نیاز نقشه‌های ۱:۲۵,۰۰۰ استفاده شد.

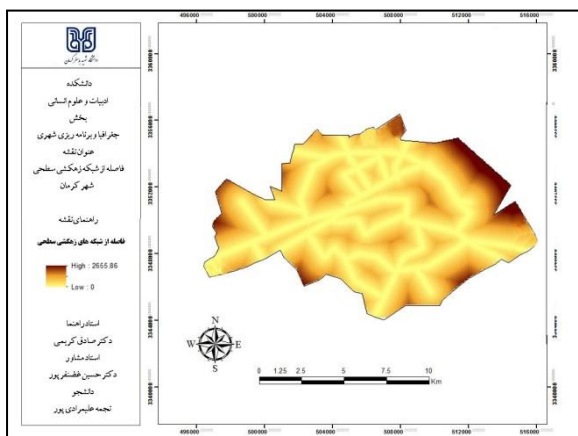
با تعیین مجموعه‌ای از معیارها لازم است تا هر معیار به صورت یک لایه نقشه در سامانه اطلاعات جغرافیایی نشان داده شود. از لایه‌هایی که معرف معیارهای برنامه‌ریزی شهری مؤثر بر رواناب سطحی هستند، با



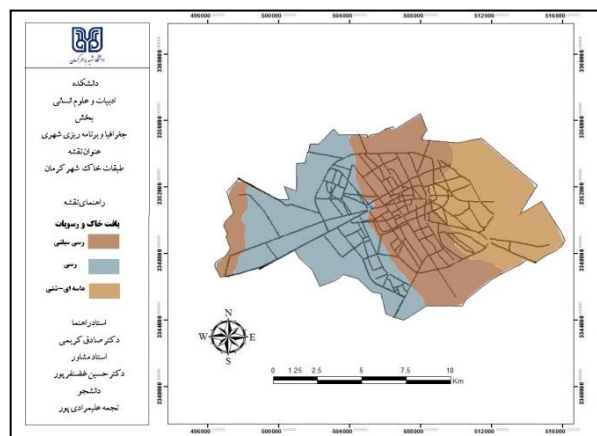
شکل ۴. نقشه طبقات شیب شهر کرمان (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)



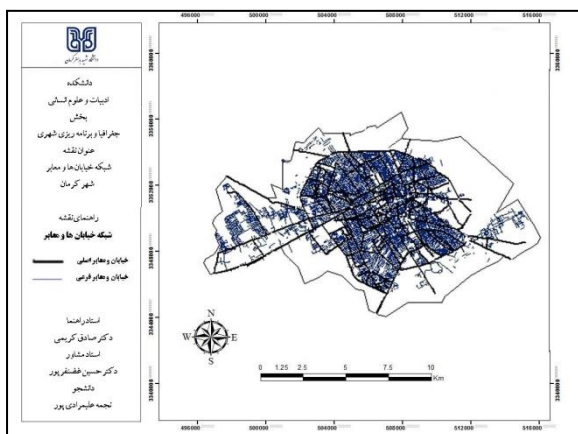
شکل ۵. نقشه طبقات ارتفاع شهر کرمان (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)



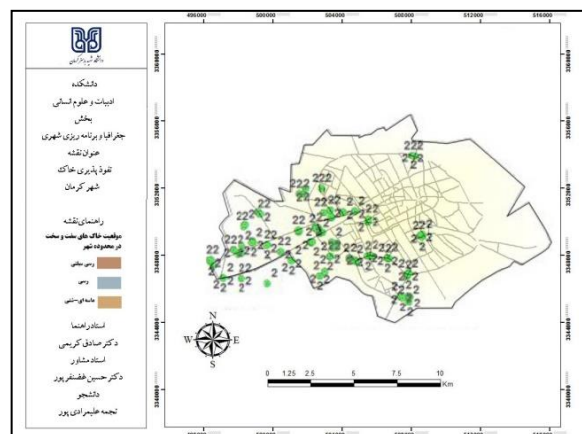
شکل ۹. نقشه فاصله از شبکه آبراهها و زهکشی شهر کرمان
(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)



شکل ۶. نقشه طبقات خاک در لایه های زیرین سطح شهر کرمان
(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)



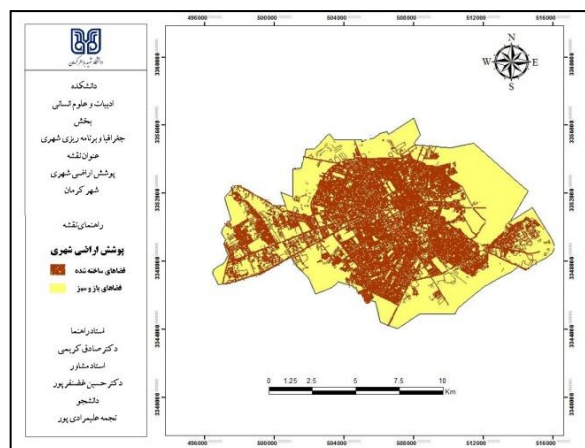
شکل ۱۰. نقشه شبکه خیابان های شهر کرمان
(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)



شکل ۷. نقشه نفوذپذیری خاک شهر کرمان
(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

نتایج میزان ریسک رواناب سطحی شهر کرمان

پس از آماده سازی و تهیه لایه های اطلاعاتی از معیارهایی که قابلیت مکانی شدن به منظور نمایش پراکنش فضایی داشتند، لایه های اطلاعاتی به صورت رستری وارد محیط ArcGIS شد و تحلیل های ریسک اولیه بر روی آنها انجام گرفت؛ سپس مقادیر پیکسل های مجموعه داده های رستری مرتبط با معیارهای ریسک سیلاب، استخراج و در پایگاه داده ذخیره شد. در نهایت با روی هم گذاری لایه ها در Raster Calculate و تأثیر وزن هر یک از معیارها و زیرمعیارها، نقشه نهایی ریسک سیلاب ناشی از رواناب های سطحی شهر کرمان تهیه شد. در محاسبات Raster Calculate برای تعیین میزان ریسک، از کدهای- جدول (۸) استفاده شد:



شکل ۸. نقشه شکل فیزیکی و پوشش اراضی شهر کرمان
(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

جدول ۸. کدهای محاسباتی در ابزار Raster Calculate

لایه ها	توابع و کدها
Earth	$[Slope]*0.354+[Topography]*0.214+[Soil]*0.432$
Cilmate	$[Du]*0.241+[Ti]*0.231+[Int]*0.256+[Mu]*0.272$
Human	$[Urban]*0.135+[Canal]*0.231+[Street]*0.178+[Drainage]*0.211+[Land use]*0.245$
Risk	$[Climate]*0.261+[Earth]*0.411+[Human]*0.328$

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

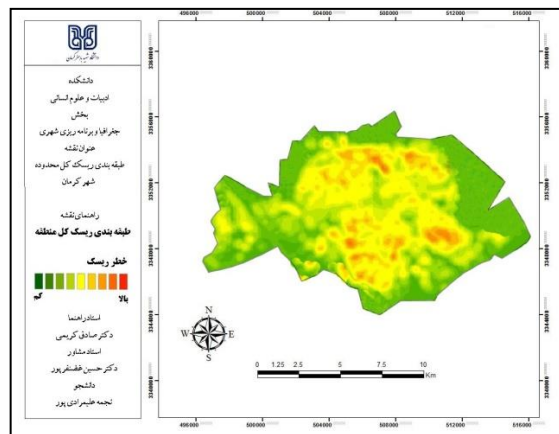
نفوذپذیری رواناب در آن‌ها بیشتر است؛ بنابراین جزء مناطق کم‌خطر محسوب می‌شوند. بیشتر بخش‌های اخیر شامل حاشیه نفوذپذیر شهر هستند.

نتیجه‌گیری

در شرایط بارندگی شدید با مسأله آب‌گرفتگی معابر شهری بر اثر عدم‌کشش شبکه انتقال آب‌های سطحی مواجه هستیم که در شرایطی می‌توان با تشخیص این نقاط و تصمیم‌گیری در زمینه بهبود آن‌ها از زیان‌های ناشی از آن جلوگیری کرد. نتایج بررسی معیارها (شاخص‌های) برنامه‌ریزی شهری مؤثر بر رواناب نشان داد، درجه اهمیت وزن شاخص‌های اصلی برنامه‌ریزی شهری مؤثر بر رواناب سطحی شهر کرمان به ترتیب عبارت است از: عوامل زمینی با وزن ۰/۴۱۱ به عنوان مهم‌ترین عامل، عوامل انسانی با وزن ۰/۳۲۸ و عوامل جوی با وزن ۰/۲۶۱ (جدول ۷).

از طرفی، پراکنش فضایی ریسک رواناب در نقشه خروجی نشان داد، در بخش‌های مرکزی شهر و نقاطی که تمرکز سطوح نفوذناپذیر بیشتر است، وضعیت ریسک رواناب بسیار بالاتر است. علت این مسأله، تمرکز سطوح بیشتر نفوذناپذیر در این بخش از شهر است که شامل سطح آسفالت، موزائیک یا بتن‌شده خیابان‌ها، معابر، کوچه‌ها، پشت‌بام‌ها و حیاط منازل است که با شروع بارندگی به سرعت منجر به تولید جریان سطحی و رواناب می‌شود.

در پنجره Raster Calculate در بخش Layer لایه‌های موجود در جدول (۱۱) نشان داده می‌شود. با استفاده از لایه‌های موردنظر روابط مذکور، نوشته و پیاده‌سازی شد و کلید Evaluate را زده و در مرحله سطوح ریسک با Classify طبقه‌بندی شد که نتایج در شکل (۱۱) آمده‌است.



شکل ۱۱. نقشه طبقه‌بندی میزان ریسک رواناب در شهر کرمان (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

همان‌طور که نقشه نهایی به‌دست‌آمده (شکل ۱۱) نشان می‌دهد، بیشتر بخش‌های مرکزی مناطق چهارگانه شهر کرمان که از تراکم پوشش‌های مصنوعی سطحی (آسفالت، سنگ‌فرش و...) بیشتری برخوردار است، ریسک رواناب بالاتری دارند (مناطق قرمز رنگ). به ترتیب مناطق زرد و سبز کم‌رنگ در مراتب بعدی ریسک برخوردار هستند. مناطق سبز پررنگ، شامل بخش‌هایی هستند که به دلایل مختلف، میزان

منابع

- اصغری مقدم، محمدرضا. (۱۳۷۸). جغرافیای طبیعی شهر ۲ (هیدرولوژی و سیل خیزی شهر). تهران: نشر مسعی.
- بزی، خدارحم؛ اسماعیل زاده، علی؛ امیری، میثم؛ سنجولی، سعیده. (۱۳۸۹). نقش مدیریت کاربری اراضی در کاهش سیل گرفتگی (مطالعه موردی: قوچان). تهران: اولین کنفرانس ملی مدیریت سیلاب‌های شهری
- خلیقی سیگوردی، شهرام؛ ثقفیان، بهرام. (۱۳۸۴). بررسی اثر تغییر کاربری اراضی بر سیل خیزی با مدل NRCS (مطالعه موردی: حوضه آبخیز باراندوز چای در آذربایجان غربی). نشریه محیط زیست طبیعی (مجله منابع طبیعی ایران) (دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران). شماره ۵۸. صص ۷۴۲-۷۳۳.
- دهلوی، الناز. (۱۳۹۱). مدل به هم پیوسته سیلاب‌های شهری با استفاده از RS و GIS. پایان‌نامه کارشناسی ارشد هیدرولیک، دانشکده مهندسی عمران دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی.
- رادمهر، احمد. (۱۳۹۰). مدیریت بهینه رواناب سطحی شهری با استفاده از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره مکانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- رازدار، بابک؛ قویدل، آریامن؛ ذوقی، جواد. (۱۳۸۹). آثار و دلایل وقوع سیلاب‌های شهری. مجموعه مقالات کنفرانس ملی مدیریت سیلاب‌های شهری، پژوهشکده محیط زیست جهاد دانشگاهی تهران.
- روستایی، شهرام؛ ذوقی، ایوب؛ شهبانی، هیوا. (۱۳۸۷). کاربرد سامانه اطلاعات جغرافیایی در کنترل سیلاب‌های شهری (مطالعه موردی: بخش شمالی استان تهران). زابل: اولین کنفرانس بین‌المللی بحران آب، دانشگاه زابل.
- سردشتی، ماهرخ؛ سلطانی، شکور. (۱۳۸۹). نقش مدیریت سیلاب در توسعه پایدار شهرها. تهران: اولین کنفرانس ملی مدیریت سیلاب‌های شهری.
- عبدالهی، مجید. (۱۳۸۴). مدیریت بحران در نواحی شهری. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- عرب‌خدری، محمود. (۱۳۷۴). برآورد سیلاب‌های سطحی با استفاده از ویژگی‌های حوضه آبخیز. کرمان: مجموعه مقالات کنفرانس منطقه‌ای مدیریت منابع آب.
- با توجه به اهمیت عوامل زمینی در بالابردن درصد ریسک‌پذیری بخش‌های مرکزی شهر کرمان از نظر خطرپذیری و آسیب‌پذیری ناشی از رواناب، برای مهار پیامدهای منفی این مسأله، لازم است اقدامات سازمان‌یافته‌ای در جهت احیای چرخه طبیعی آب در این بخش از حوضه آبخیز شهر صورت پذیرد. تقلید از چرخه آب شهر و فرایند احیای شرایط طبیعی در عمل به مفهوم آن است که عوامل مؤثر در تشدید حجم و اوج رواناب‌ها مهار و کنترل شود و از آلودگی محیط زیست به وسیله رواناب‌های شهری جلوگیری به عمل آید. رویکرد نوین به مدیریت رواناب‌های سطحی شهرها در جهت احیای مصنوعی چرخه طبیعی آب در شهر عمل می‌کند؛ یعنی می‌کوشد حجم و اوج آب‌دهی رواناب‌ها و میزان آلودگی در آب‌های جاری ناشی از بارندگی در سطح شهر به حد و میزانی که پیش از توسعه نواحی شهری در اراضی بایر پیرامون شهر قدیم وجود داشت، کاهش یابد. برخی از کشورها در این خصوص حتی فراتر رفته و سهم شرایط طبیعی پیش از توسعه شهر را مشخص کرده و آن را به صورت یک سلسله از اهداف کمی طرح‌های مدیریت رواناب‌های سطحی اعلام کرده‌اند. انتخاب و کاربرد روش‌های مدرن مدیریت رواناب و استفاده مجدد از رواناب سطحی تابعی از عوامل زیر است:
- شرایط اقلیمی، میزان فشار بر منابع آب موجود و نیاز به تأمین آب بیشتر در منطقه و در محدوده طرح، وضعیت طرح موجود نظام شهری (شهرسازی، تراکم جمعیت و تراکم ساخت‌وسازها)، امکان ترکیب روش‌های منتخب پیشنهادی، میزان پذیرش اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها از سوی مردم، دولت و دستگاه قانون‌گذار، نیاز به بهبود شرایط زیست‌محیطی، هزینه‌ها و پارامترهای اقتصادی طرح‌ها و بالأخره قوانین و استانداردهای موجود در زمینه تأمین و مصرف آب و سیستم‌های دفع پسماندها و مواد زائد.

- Chen, Jian, A. Hill, Arleen, D. Urbano, Lensyl (2009) A GIS-based Model for Urban Flood Inundation. *Journal of Hydrology*, Vol. 373, pp. 184-192.
- Congressman, Thomas., L. Ashley (1999). Issues and Options in Flood Hazards Management. *Congress of the United States Office of Technology Assessment*, Vol. 1, pp. 98.
- Inci Tekeli, Y., Akguül, S., Dengiz, O., Aküzüm, T., (2006). Estimation of flood discharge for small watershed using SCS curve number and geographic information system. *River Basin Flood Management Journal*, pp: 527-538.
- Krikby, M.J., L.J, Bracken., J, Shannon (2005). The influence of rainfall distribution and morphological factors on runoff delivery from dry land catchments in SE Spain. *Journal of Irrigation and Drainage Engineering*, ASCE, No.62(2), pp.136-156.
- Kumar, S., Ranta, M.J., Praveen, T.V, Kumar, V (2010). Analysis of the Run off for Watershed Using SCS-CN Method and Geographic Information Systems. *International Journal of Engineering Science and Technology*, No. 2, pp.3947-3954.
- Nayak. R.T., Jaiswal, R.K (2003). Rainfall-Runoff modeling using satellite data and GIS for Bebas river in Madhta Pradesh. *Journal-CV*, pp: 47-50
- Schueler, T.R (1987). Controlling urban runoff: A practical manual for planning and designing urban BMPs. Publication NO.87703. Metropolitan washington council of governments.
- Srangi, A., Singh, D.K., Singh, A.K. (2008) Evaluation of curve number and geomorphology-based models for surface runoff prediction from ungauged watersheds. *Water Technology Centre, Indian Agricultural Research Institute, New Delhi, India*, *Current Science*, No.94, pp.12-25.
- Zhan, X., Huang, M.L (2004). ArcCN-Runoff: an ArcGIS Tool for Generating Curve Number and Runoff Maps. *Environmental Modelling & Software*, Vol.19, No.10, pp.875-879.
- علیزاده، امین (۱۳۸۳). اصول هیدرولوژی کاربردی، چاپ هفدهم، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- قهرودی تالی، منیژه. (۱۳۸۸). کاربرد مدل یکپارچه سیلاب شهری در کلان شهرها (مطالعه موردی: شمال شرق تهران). *دوفصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری* (دانشگاه پیام نور)، پیش‌شماره پاییز و زمستان، صص ۱۶۷-۱۷۸.
- کاوایان پور، محمدرضا؛ مختارپور، اکبر؛ طاهری، اکرم (۱۳۸۹). بررسی تأثیرات توسعه ساخت‌وساز شهر تهران بر رواناب شهری تهران. *اولین کنفرانس ملی مدیریت سیلاب‌های شهری*.
- لگزیان، رضا؛ حجی پور، مجید؛ (۱۳۹۰). آبخیزداری شهری رویکردی نوین در مدیریت رواناب برای دستیابی به توسعه پایدار شهری. *اولین همایش سامانه سطوح آبگیر باران*.
- مافی، عزت‌الله؛ مرادی، غلامرضا؛ حیاتی، سلمان. (۱۳۹۳). مدیریت و دفع رواناب‌های شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی و تکنیک River Tools (مطالعه موردی: منطقه یک شهر اهواز). *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای* (دانشگاه فردوسی مشهد)، سال ۱۲، شماره ۲۲، صص ۱-۱۴.
- مرادی، میلاد؛ رهنما، محمدباقر؛ ثمره‌هاشمی، مرضیه. (۱۳۹۴). ارزیابی تأثیر هیدرولوژیکی حوضه شهری با استفاده از مدل SWMM (مطالعه موردی: شهر کرمان). *سومین کنفرانس ملی مدیریت و مهندسی سیلاب با رویکرد سیلاب‌های شهری*.
- یعقوب‌زاده، مصطفی؛ صاحب‌دل، شیرین؛ جعفری رودسری، مسعود. (۱۳۸۹). تعیین شماره منحنی رواناب حوضه آبریز با استفاده از GIS و RS. *همایش ملی ژئوماتیک*.
- Amutha, R., Porchelvan, P (2009). Estimation of surface runoff in Malattar Sub-watershed using SCSCN method, *Photonirvachak. J. Indian Soc, Remote Sense*, No.37: pp.291-304.
- Bofu, Y (1998). Theoretical justification of SCS method for runoff estimation. *Journal of Irrigation and Drainage Engineering*. No.124 (6), pp.306-310.